



Analysis of unmarried life among girls(A case study of girls in Tehran)

Morad Baradaran^{✉1} | Ali Mohammad Javadi² | Fatemeh Mirjafari³ | Nasrin Hosseinpour⁴ |
Hamed Shiri⁵

1. Corresponding author, Faculty member of Payam Noor University.Tehran, Iran. E-mail: : mbbaradaran@pnu.ac.ir

2. Faculty member of Payam Noor University, Tehran, Iran . E-mail: javadi.alimohammad@pnu.ac.ir

3. Master's degree from Payam Noor University, Tehran, Iran. E-mail: f.mirjafari@gmail.com

4. Master of Social Sciences and Head of the Evaluation and Effectiveness of Support and Rehabilitation Policies Group at the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare.,E-mail: nasrinhosseinpour59@Gmail.com

5.Faculty member, Payam Noor University, Tehran, Iran. E-mail: h.shiri@pnu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 5 Des 2022

Received in revised form 20

November 2022

Accepted 17 February 2024

Published online 19 March

2025

Keywords:

Unmarried life, singleness,
girls, basic theory, Tehran.

ABSTRACT

The purpose of this research is to identify the causes and contexts of Unmarried life, which has been done with the qualitative method and the use of grounded theory. For this reason, a semi-structured interview was conducted with 15 unmarried girls who were selected through purposive sampling. From 561 open codes and 71 central codes, 16 main categories with the central core of "Unmarried life to construction a different femininity" were obtained during the data coding process, which can be expressed in the form of the paradigm model proposed by Strauss and Corbin. The findings show that, among the reasons that cause single life of girls; Restoration of social identity, structural transformations and change of values in modern societies, changes in the parameters affecting marriage and the riskiness of marriage. Also, 4 categories; Social and cultural changes of the family institution, elimination of inequality and gender discrimination, Women's acquisition of equal civil rights , and revision of the macro-economic and cultural structures of the society are among the foundations of girls' tendency towards single life. Among the intervening or facilitating factors surrounding the unmarried life of girls, there are 2 main categories; the spread of distrust in the society towards men and the change in the attitude of girls towards marriage in modern societies. Young girls use 3 categories as effective strategies in adapting to unmarried life, which include; The lifestyle and way of spending free time is to increase the ability and social mobility and carry out humanitarian activities.

Cite this article: Baradarn, M., Javadi, A-M., & Mirjafari, F. (2025). Analysis of unmarried life among girls (A case study of girls in Tehran). *Sociological Review (Social Science Letter)*, 31 (2), 143-165.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.352088.1825>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.352088.1825>

واکاوی پدیده زیست مجردانه در بین دختران (مطالعه موردی دختران شهر تهران)

مراد برادران^۱ | علی محمد جوادی^۲ | فاطمه میرجعفری^۳ | نسرين حسين پور^۴ | حامد شیري^۵

۱. نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، تهران. رایانامه: mbbaradaran@pnu.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، تهران. رایانامه: javadi.alimohammad@pnu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور، تهران. رایانامه: f.mirjafari@gmail.com

۴. کارشناس ارشد علوم اجتماعی و رئیس گروه ارزیابی و اثربخشی سیاست های حمایتی و توانبخشی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

رایانامه: f.mirjafari@gmail.com

۵. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، تهران؛ رایانامه: h.shiri@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹ کلیدواژه‌ها: دختران، زیست مجردانه، مجردی، نظریه مبنایی، تهران.	زیست مجردانه از ویژگی‌های عصر حاضر است که در دهه‌های اخیر در بین جوانان ایرانی از جمله دختران روبه افزایش بوده و بسیاری از معیارهای ازدواج و خانواده را دستخوش تغییر و تحول کرده است. هدف این پژوهش شناسایی علل و زمینه‌های زیست مجردانه است که با روش کیفی و استفاده از نظریه مبنایی صورت گرفته است. بدین سبب با ۱۵ نفر از دختران مجرد که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. از ۵۶۱ کد باز و ۷۱ کد محوری، ۱۶ مقوله اصلی با هسته مرکزی «زیست مجردانه برساخت یک زنانگی متفاوت» طی فرآیند کدگذاری داده‌ها به دست آمد که در قالب مدل پارادایمی پیشنهادی اشتراوس و کوربین قابل بیان است. یافته‌ها نشان می‌دهد، از جمله عللی که باعث بروز زیست مجردانه دختران می‌شود، بازیابی هویت اجتماعی، دگرگونی‌های ساختاری و تغییر ارزش‌ها در جوامع مدرن، تغییر در پارامترهای مؤثر بر ازدواج و مخاطره‌آمیز بودن ازدواج است. همچنین ۴ مقوله تحولات فرهنگی اجتماعی نهاد خانواده، رفع نابرابری و تبعیض جنسیتی، برخورداری زنان از حقوق مدنی برابر و بازنگری ساختارهای کلان اقتصادی و فرهنگی جامعه از بسترهای زمینه‌ساز گرایش دختران به تک‌زیستی است. از جمله عوامل مداخله‌گر یا تسهیل‌گر پیرامون زیست مجردانه دختران می‌توان به ۲ مقوله اصلی گسترش بی‌اعتمادی در جامعه نسبت به مردان و تغییر در نگرش دختران نسبت به ازدواج در جوامع مدرن اشاره کرد. دختران جوان از ۳ مقوله به عنوان استراتژی و راهبردهای مؤثر در سازگاری با زیست مجردانه بهره می‌گیرند که شامل سبک زندگی و شیوه گذران اوقات فراغت، افزایش توانمندی و تحرک اجتماعی و انجام فعالیت‌های بشردوستانه است. نتایج پیرامون پیامدهای زیست مجردانه دختران تهرانی نیز شامل ۳ کد کاهش سلامت جامعه، دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی و کاهش جمعیت و کمک به محیط زیست بود. یافته‌ها و کلیت مدل استخراجی نشان می‌دهد دختران مجرد نگاه جنسیتی حاکم بر جامعه را به چالش کشیده و گریز از ازدواج و زیست مجردانه را جهت برساخت یک زنانگی متفاوت برمی‌گزینند.

استناد: برادران، مراد، جوادی، علی محمد و میرجعفری، فاطمه (۱۴۰۳). واکاوی پدیده زیست مجردانه در بین دختران مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۳۱ (۲)، ۱۴۳-۱۶۵.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.352088.1825>



۱- مقدمه

اغلب مردم سراسر جهان در جوامع مختلف خانواده و زندگی خانوادگی را مهم‌ترین جنبه زندگی می‌دانند و غالباً در تمام و یا بیشتر زمان حیات خود زندگی خانوادگی را تجربه می‌کنند. از نگاه سنتی خانواده نهاد اصلی و مسئول تولید و پرورش فرزندان و تکامل آنهاست. امروزه همگام با گسترش و روند روبه رشد جوامع، شاهد تغییرات متعددی در شیوه و نوع خانواده‌ها هستیم. این گونه به نظر می‌رسد که زندگی مدرن باعث بروز تغییرات وسیع در مقولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شده است. از جمله این تغییرات، تحول و دگرگونی در نهاد خانواده است. چنانکه در قرن گذشته و بخصوص در دهه‌های اخیر شاهد کاهش خانواده‌های گسترده و تبدیل آن به خانواده‌های هسته‌ای بوده و در ادامه روند روبه رشد تمایل و انتخاب افراد جامعه به تک‌زیستی و زندگی مجردی هستیم.

نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ حاکی از روند روبه رشد زندگی مجردی است که بر مبنای آن ۷,۱ درصد جمعیت ایرانی را افراد مستقل و تک نفره تشکیل داده‌اند. برطبق این نتایج نسبت به ۵ سال گذشته تعداد کسانی که به تنهایی زندگی می‌کنند حدود ۲ درصد افزایش یافته است که در این بین استان تهران با ۹,۱ درصد بیشترین جمعیت زندگی تک نفره در کل کشور را دارا است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰:۴۱). همچنین بر اساس داده‌های آخرین سرشماری مرکز آمار ایران تجرد قطعی زنان در سال‌های ۱۳۴۵، از (۰/۸۴) تا ۱۳۷۵ (۱/۱۹) روند رو به افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۵ به (۳/۷۳) و به بیش از سه برابر رسیده است. همچنین آمارهای رسمی نشان می‌دهند تا اواسط سال ۱۴۰۰ شمسی حدود ۵ درصد از زنان و ۴ درصد از مردان کشور به تجرد قطعی رسیده‌اند (طالب پور و بیرانوند، ۱۷:۱۴۰۱) این نشان از افزایش تعداد زنانی است که این نوع از سبک زندگی را برمی‌گزینند و البته که این شیوه زندگی مشمول مردان مجرد نیز می‌شود. در این میان اما گرایش روزافزون زیست مجردانه از سوی زنان که زیر سایه عرف و هنجارهای رایج اجتماع کنونی، دست به انتخاب تنها زیستی می‌زنند تا حد زیادی چالش برانگیز و حساسیت‌زاست و همچنین امری قابل تأمل و نیازمند واکاوی است.

در این راستا می‌توان بیان داشت، پدیده تک‌زیستی دختران به دو شکل حاصل می‌شود: تجرد خودخواسته و تجرد ناخواسته. زندگی مجردی، استقلال و میل به داشتن سرپناه متعلق به خود برای بسیاری از انسان‌ها ارزشمند است و می‌تواند از جمله مقولاتی باشد که در تجرد خودخواسته دختران مؤثر است. دختران در شرایط کنونی جامعه تحت تأثیر عواملی، چون میل به استقلال مالی و شخصی، شکستن تصویر ذهنی جامعه از هویت جنسی و ساخت تصویری جایگزین (توانمندی زنان در اداره خود و شکستن کلیشه‌های جنسیتی)، کاهش فشار مسئولیت تشکیل خانواده ... یا دست به انتخاب زده و خودخواسته این شیوه زندگی را برمی‌گزینند و یا جهت تشکیل خانواده با توجه به شرایط خانوادگی و اجتماعی‌شان ناخواسته شانس کمتری نسبت به دیگر دختران در طبقات اجتماعی بالاتر از خود دارند. این عامل با بالا رفتن سن دختران تشدید شده، دایره همسرگزینی محدودتر و وسواس انتخاب همسر افزایش می‌یابد و مجموعه این عوامل باعث بروز میل به زندگی فردی در دختران شده است. در دنیای مدرن کنونی بسیاری از ملاک و معیارهای خانواده دستخوش تغییر و تحول شده است. دختران تحت تأثیر فردگرایی، مسائل اقتصادی، افزایش بی‌اعتمادی (بالا رفتن آمار طلاق)، فشار کلیشه‌های جنسیتی و عوامل فرهنگی حال حاضر جامعه، دست به انتخاب زده و بر این باورند که ازدواج با محدودیت و مسئولیت همراه است که تنها در بهترین شرایط اقتصادی و اجتماعی به همراه امکانات فراوان از سوی مردان قابل تأمل است و احتمال تن دادن به ازدواج را خواهد داشت و البته این شیوه معیار همسریابی (نگاه معامله‌گری) مشمول تبعات متعددی می‌شود. با توجه به آسیب‌شناسی‌های انجام شده پیرامون این مسئله برخی دیگر از مقولات متأثر از زیست مجردانه می‌توان به زمینه‌های نامساعد خانوادگی (از بین رفتن خانواده مبدأ و ناکارآمد بودن آن)، زمینه‌های اجتماعی فرهنگی (نظیر بالا رفتن سن ازدواج دختران،

تجربه مهاجرت تحصیلی، تأثیرپذیری از گروه همسالان) و نیازهای اقتصادی اشاره داشت. همچنین از مهم‌ترین آثار تجربه تک‌زیستی دختران مجرد می‌توان به تنهایی، ناامیدی، اضطراب، افسردگی، خلأ محبت واقعی و آرامش در کنار خانواده، نداشتن احساس امنیت، عدم پذیرش این سبک از زندگی از سوی افراد جامعه و از همه مهم‌تر عدم تعلق به خانواده و به مرور زمان شکل‌گیری احساس پوچی در زندگی آنها اشاره نمود (کرمی قهی و پاپی نژاد، ۱۳۹۱: ۴).

همچنین تأخیر در ازدواج و مجرد اغلب موجب نامتعادل شدن جمعیت، کاهش باروری، نابهنجاری‌های رفتاری، گسترش آسیب‌های اجتماعی، از دست رفتن فرصت‌ها و عارضه‌های جسمی و روانی خاصی در افراد جامعه می‌گردد. در حال حاضر تأخیر در ازدواج و مجرد ماندن به عنوان یک مسئله شخصی بلکه به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح شده است و پدیده مجرد به صورت یک مسئله عمومی درآمده است که خانواده‌های ایرانی با آن روبه‌رو هستند (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷: ۱۰) که نیازمند تحلیل و واکاوی است.

با توجه به مطالب بیان شده، زیست مجردانه یک پدیده رو به افزایش است که به عنوان یکی از عوامل کاهش جمعیت و به تبع آن کاهش سرمایه‌های اجتماعی و سلامت اجتماعی مطرح می‌باشد. بالا رفتن سن ازدواج، انواع آسیب‌های اجتماعی، بی‌قیدی و یا فساد اخلاقی از جمله مفاهیمی هستند که در بسیاری موارد همراه با واژه زیست مجردانه به اذهان شنوندگان متبادر می‌شود. این شیوه زیستن به هر دلیل و انگیزه که باشد، دائمی یا موقت، خودخواسته یا اجباری در اکثر موارد دچار پیشداوری منفی است؛ هرچند در دهه‌های گذشته با توجه به گسترش آن و تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی متعدد از شدت آن کاسته شده اما کماکان نمی‌توان از تأثیرات منفی تک‌زیستی به عنوان نوعی سبک زندگی نوین غافل بود. اما این پدیده نیز همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی مشمول اثرات مثبت نیز می‌باشد که استقلال و آزادی‌های فردی از جمله آنان است. به این اعتبار واکاوی علل و بسترهای مؤثر در افزایش زیست مجردانه امری ضروری می‌نماید. از این رو، محقق جهت دستیابی به داده‌های صحیح و درک عمیق پیرامون عوامل و مقولاتی که در شکل‌گیری و گسترش زندگی مجردی در بین دختران تهرانی، از روش کیفی و نظریه مبنایی بهره گرفته و در این راستا با انجام مصاحبه عمیق با دختران مجرد که به تنهایی زندگی می‌کنند، سعی در شناسایی چگونگی شکل‌گیری این پدیده در بین دختران دارد. در این راستا سؤالاتی اساسی مطرح می‌شود که به شرح زیر است:

- ۱) فرآیند شکل‌گیری زیست مجردانه در بین دختران تهرانی چگونه است و تحت تأثیر کدامین علل صورت می‌پذیرد؟
- ۲) شرایط زمینه‌ای، بسترها و پدیده‌هایی که منجر به زیست مجردانه در بین دختران تهرانی می‌شود، کدامند؟
- ۳) شرایط تسهیل‌گر یا مداخله‌گری که در روند گرایش به زیست مجردانه در بین دختران تهرانی دخیل است، کدامند؟
- ۴) دختران تهرانی چه راهبردهایی جهت سازگاری با زیست مجردانه اتخاذ می‌کنند؟
- ۵) درک و تفسیر دختران مجرد تهرانی از پیامدهایی که زیست مجردانه برای آنها به دنبال داشته است، چیست؟

۲- پیشینه تجربی پژوهش

غالب تحقیقات انجام شده در راستای شیوه و سبک زندگی دختران و نگرش آنان به پدیده تک‌زیستی است. همچنین در اکثر موارد تمرکز تحقیقات بر دختران دارای مجرد قطعی و سن مشارکت‌کنندگان ۴۵ سال و بالاتر بوده و علل و عوامل مجرد قطعی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. از آنجا که در شرایط کنونی جامعه، پدیده زیست مجردانه در بین دختران جوان‌تر نیز روبه افزایش است و دختران از سنین پایین‌تر تصمیم به جدایی از خانواده و زیست مجردانه دارند، از این رو، شناخت دلایل افزایش روزافزون این پدیده به خصوص در کلان‌شهر تهران که افراد از هر قشر و طبقه اجتماعی، فرهنگی را در خود جای داده است، می‌تواند به درک بیشتر و

دستیابی به نتایج واقعی تری منجر شود. از این رو به برخی از پژوهش‌های انجام شده پیرامون موضوع مورد بحث و سؤالات اصلی ارائه شده پرداخته می‌شود.

کاوه فیروز و صارم (۱۳۹۶)، طی پژوهشی در شهر شیراز دریافتند که درصد درخور توجهی از افراد به ازدواج نگرش منفی داشته‌اند. همه مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش به ازدواج اثرگذار بوده و مصرف فرهنگی، مهم‌ترین متغیر و ارتباطات اجتماعی، یگانه مؤلفه‌ای است که از سه مؤلفه دیگر سبک زندگی (پایگاه اقتصادی اجتماعی، مصرف فرهنگی و مدیریت بدن) اثر می‌پذیرد و بر نگرش به ازدواج اثرگذار است. قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶)، معتقدند که دختران مجرد در شهر ایوان زمینه‌هایی چون ازدواج به مثابه نهاد حمایتی، جنسیتی شدن فضای عمومی و تقدیرگرایی را مؤثر بر مجرد می‌دانند. براین اساس تجربه تجرد برای دختران، خشونت روانی، انزوای مضاعف، آینده مبهم و احساس سرباری و ابژه‌های حقارت در پی داشته است. بر مبنای تحلیل چابکی (۱۳۹۵)، پیرامون روایت دختران از تجرد قطعی که در شهر تهران صورت پذیرفته، سه مقوله محوری: نگاه آرمان‌گرایانه دختران به ازدواج، تغییر نگاه نسبت به جایگاه دختران در خانواده و شرایط اجتماعی کاهش‌دهنده جاذبه ازدواج بوده و مقوله هسته «آرمان‌گرایی برآمده از ارزش‌های فرامادی» را از جمله نتایج خود بیان داشت. یافته‌های حسینی و ایزدی (۱۳۹۵)، براساس مصاحبه‌های انجام شده با دختران بالای ۳۵ سال شهر تهران نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت در علل تجرد (تجرد خودخواسته، تجرد ناخواسته)، بیشتر سوژه‌ها احساسات دوگانه‌ای نسبت به تجرد دارند. آنها از یک سو از استقلال و آزادی ناشی از تجرد راضی و خشنود هستند و از سوی دیگر احساس تنهایی کرده و دیگران را به ازدواج توصیه می‌کنند. استقلال نیز به دو شکل ذهنی و عینی و هویت ناقص - با زیرمقولات هویت تکامل نیافته و هویت جنسیتی تحقق نیافته - مقوله دیگری بود که از مصاحبه‌های صورت گرفته استخراج شد. اقامتی و گشتی (۱۳۹۳)، پیرامون چالش‌های زندگی مجردی در شهر رشت بیان می‌دارند که این افراد با سه دسته چالش‌های اجتماعی (نگاه بدبینانه اعضای جامعه به زندگی مجردی و دخالت همسایگان)، چالش‌های اقتصادی (گرانی اجاره مسکن و مشکلات مالی ناشی از خرید روزمره زندگی) و چالش‌های فردی (افسردگی ناشی از دوری خانواده، ترس از تنها خوابیدن در منزل و درست کردن غذا) روبه‌رو هستند. سراج زاده و همکاران (۱۳۹۲) طی پژوهشی که در شهر تهران انجام دادند سه مقوله اجباری بودن این نوع سبک زندگی (متعین ساختاری)، انتظام درون خانوادگی و ورود عناصر و تفکرات نوگرا در بین دختران را از یافته‌ها استخراج کردند و بر این باور هستند که سبک زندگی سنتی دختران در حال جایگزینی با شکل مدرن آن است. هرچند این جایگزینی هنوز به طور کامل صورت نگرفته و می‌توان برخی مقاومت‌ها در برابر این نوع سبک زندگی مشاهده کرد و البته می‌توان انتظار داشت گسترش فرآیند نوسازی و پیامدهای ناشی از آن به جایگزینی کامل درآینده تبدیل شود. کرمی‌قهی و پاپی‌نژاد (۱۳۹۱)، در پژوهشی که در شهر تهران انجام دادند، زمینه‌های نامساعد خانوادگی (از بین رفتن خانواده مبدأ و ناکارآمد بودن آن)، زمینه‌های اجتماعی فرهنگی (نظیر بالا رفتن سن ازدواج دختران، تجربه مهاجرت تحصیلی، تأثیرپذیری از گروه همسالان) و نیازهای اقتصادی را از مهم‌ترین بسترهای موجود در اقدام به تک‌زیستی اجباری دختران جوان است که آثاری چون تنهایی، ناامیدی، اضطراب، افسردگی، خلأ محبت واقعی و آرامش در کنار خانواده، نداشتن احساس امنیت، عدم پذیرش این سبک از زندگی از سوی افراد جامعه و از همه مهم‌تر عدم تعلق به خانواده و به مرور زمان شکل‌گیری احساس پوچی در زندگی را به همراه دارد.

نتویمو و ابانیپه (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای با انجام ۲۷ مصاحبه عمیق با زنان ۳۰ ساله و بالاتر که هرگز ازدواج نکرده در لاگوس نیجریه، دریافتند که استقلال اقتصادی و توانمندی اقتصادی و همچنین ترجیحات فرد در انتخاب همسر و نیز تجربیات زناشویی زنان متأهل، عوامل خانوادگی، باورهای فرهنگی و تحصیلات بالا از عواملی بوده که موجب عدم گرایش دختران به ازدواج شده است. فالکینگهام و همکاران (۲۰۱۲)، طی مطالعه‌ای که در بریتانیا انجام دادند، بیان داشتند روش زندگی و نحوه عملکرد متفاوت این خط

سیر تحت تأثیر عواملی نظیر جنسیت و وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد می‌باشد و می‌توان انواع متفاوتی از زندگی در انزواء در افراد میانسال را بر این اساس پیدا نمود. هولدگرن (۲۰۰۵)، در بریتانیا با انجام پژوهشی کیفی، «علل مجردگزینی در ۳۷ زن ۳۵ تا ۸۳ ساله که هرگز ازدواج نکرده‌اند»، را مورد مطالعه قرار داد. نتایج نشان داد تغییرات مهم مادی و فرهنگی برای زنان زمینه‌های فعالیت و فرصت‌های سرگرم‌کننده و تفریحی به وجود آورده و به تضعیف هویت‌های جنسیتی پیش‌بینی‌کننده همسری و مادری انجامیده است. ری‌هال و همکاران (۱۹۹۷)، در پژوهشی پیرامون الگو و ساختارهای خانوارهای یک نفره در انگلستان، ولز و فرانسه، اظهار نمودند، افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند، یک گروه همگن را تشکیل نمی‌دهند. آنها در سن، جنس، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی و جغرافیا متفاوتند و به نظر می‌رسد جمعیت در سن کاری که به تنهایی زندگی می‌کنند، بیشتر به شهرها و به خصوص بزرگ‌ترین شهرستان‌ها جذب می‌شوند. در این میان تنهایی مردان نسبت به زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است، اما با این وجود، تعداد فزاینده‌ای از زنان جوان به تنهایی زندگی می‌کنند.

۳- چارچوب مفهومی و مفاهیم حساس نظری

تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی و در چارچوب رویکرد تفسیرگرایی و با هدف واکاوی پدیده زیست مجردانه در بین دختران انجام شده است. در این راستا محقق سعی بر آن داشته جهت تدوین چارچوب مفهومی، مفاهیم مورد بحث را با توجه به نظریات و رویکردهای نظری اندیشمندان این حوزه بیان کند که این فرایند با حساسیت نظری قابل بیان است. حساسیت نظری^۱ دومین رکن مهم نظریه‌مبنایی است که در کل فرآیند پژوهش در جریان است و به معنی رسیدن به یک معنا، مفهوم، پدیده یا تم، بر اساس یک نشانه یا سرخ است (ذکائی، ۱۳۹۹: ۱۴۳). بر این اساس از نظریه‌پردازانی چون ویلیام گود^۲، ماکس وبر^۳، پیر بوردیو^۴، اولریش بک^۵، رونالد اینگلهارت^۶ و آنتونی گیدنز^۷ و فمینیست‌های لیبرال، مفاهیم به عاریت گرفته شده است.

۱-۳. تحول الگوی نهاد خانواده

ویلیام گود با مطرح کردن نظریه همگرایی^۸ بیان می‌کند تغییرات ملموسی در نظام خانواده در جهان در حال وقوع است که همه این تغییرات در نقطه مشترکی با هم تلاقی می‌کنند که عبارتند از: افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر. به عقیده او پارامترهای ازدواج در جوامع مختلف به همگرایی نزدیک می‌شوند (گود، ۱۹۸۹: ۵۷). از منظر گود، افزایش سن ازدواج، به ویژه سن ازدواج زنان، ابتدا در کشورهای اروپایی شیوع یافت، سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه نیز سرایت کرد. سن ازدواج خود به واسطه عواملی نظیر افزایش سطح تحصیلات، اشتغال زنان و میزان شهرنشینی افزایش یافته، در نتیجه عمومیت و میزان ازدواج به ویژه در مناطق شهری به‌طور روز افزون کاهش یافته است. براساس نظریه گود، تغییرات به وجود آمده در نهاد خانواده و به طور خاص افزایش سن ازدواج می‌تواند از عوامل تبیین‌کننده و اثرگذار در اقدام دختران به تک‌زیستی باشد.

1 Theoretical sensitivity

2 William Goode

3 Max Weber

4 Pierre Bourdieu

5 Ulrich Beck

6 Ronald Inglehart

7 Anthony Giddens

8 Convergence Theory

از نظر گیدنز اثرات مدرنیته در چند دهه اخیر به قدری سریع اتفاق افتاده است که جامعه را دستخوش تغییرات عمده و جدی کرده است. این تحولات و دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی به نوبه خود زمینه تغییرات مهمی را در میان اقشار جوان داشته است تا جایی که صحبت از جهانی شدن فرهنگ شده است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۳۱). وی معتقد است، تغییرات به وجود آمده منجر به شکل‌گیری و پدید آمدن رابطه‌ای تحت عنوان «رابطه ناب» در روابط افراد و بالاخص افراد خانواده گردیده است. او معتقد است که شکل‌گیری رابطه‌ی ناب در نهایت موجب از بین رفتن پدرسالاری و آزادی بیشتر زنان در انتخاب شیوه زندگی شده است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۳۸). از سوی دیگر در پی گسترش آزادی و افزایش روابط، هویت شخصی افراد برحسب بازتاب تغییر نهادهای اجتماعی مدرن، مورد تجدیدنظرهای مداوم و بازاندیشی قرار می‌گیرد که گیدنز از آن تحت عنوان «بازتابی هویت» یاد می‌کند. به عقیده گیدنز این امر منجر به شکسته شدن ساختار سنتی خانواده و محدودیت‌های آن گشته است. در دنیای امروز، افراد سعی می‌کنند با تلاش و به‌طور فعال، خود و هویت خویش را بسازند. بنابراین می‌توان گفت تشکیل زندگی مستقل برای جوانان تا حدود زیادی می‌تواند نتیجه شکل‌گیری رابطه ناب در خانواده و بازتابی هویت توسط خود افراد باشد که آن‌ها را به سمت انتخاب و شیوه زندگی مدنظر خود هرچند به اجبار رهنمون می‌سازد (همان: ۲۱۰). از دید اینگلهارت اشخاص برخوردار از سطح نسبتاً بالای امنیت مانند فرامادیون، انحراف از الگوهای خانوادگی را آسان‌تر از اشخاصی که درباره نیازهای طبیعی پایه، احساس اضطراب دارند، می‌پذیرند. بنابراین انتظار می‌رود فرامادیون دگرگونی فرهنگی را بیشتر از دیگران بپذیرند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۰۲). از این منظر زنان شاغل با دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی، از سطح نیازهای اولیه گذر کرده و به نیازهای فرامادی می‌اندیشند.

۲-۳. تغییر در سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی حاصل بسط تأملات وبر درباره گروه‌های منزلت است. برای اولین بار این ماکس وبر بود که از اصطلاح سبک زندگی استفاده کرد و آن را ابزار مفهومی مهمی در مدل چندبعدی قشربندی اجتماعی قلمداد نمود. وبر دریافت که سبک زندگی بیش از آن که بر تولید استوار باشد، بر شباهت الگوهای مصرف استوار است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸). از نظر وبر افرادی که سبک زندگی مشابهی دارند نوعی انسجام گروهی را که ناشی از شباهت در رفتار و الگوهای مصرف است تجربه می‌کنند (همان، ۳۰). در مفهوم گروه‌های منزلتی وبر، در هر طبقه نیز می‌توان سبک‌های زندگی متفاوتی را مشاهده کرد. وبر سبک زندگی را شامل شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی می‌داند که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸). از دیدگاه وبر، هر گروه منزلتی از اعضای خود انتظار دارد سبک زندگی خاصی را دنبال کنند. نقش تعیین‌کننده سبک زندگی چنان است که هرگونه سبک بخشیدن به زندگی یا از درون گروه‌های منزلتی آغاز می‌شود یا به‌وسیله آنها تداوم می‌یابد (نیازی، ۱۳۹۰: ۱۳۴). به زعم او، سبک زندگی در سه مفهوم کاربرد دارد: شیوه زندگی^۱، تدبیر زندگی^۲ و بخت زندگی^۳. تدبیر زندگی بر انتخاب‌های افراد دلالت دارد، اما بخت زندگی احتمال تحقق یافتن انتخاب‌هاست (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸). طبق نظر وبر، ویژگی اصلی سبک زندگی انتخابی بودن آن است، اما انتخابی که در محدوده ساختارهایی قرار می‌گیرد که احتمال تحقق درست مانند تصمیم‌گیری برای ازدواج که آن را محدود می‌کنند (محمدی تلوار، ۱۳۸۷: ۴۷). براین اساس اگرچه انتخاب با خود شخص است، تحت سازوکار و نظم اجتماعی صورت می‌پذیرد و شخص در انتخاب خود درگیر قیدوبندهای جامعه می‌شود. مفهوم گروه‌های منزلتی نیز، که وبر به آن اشاره دارد، مؤید این قضیه است. گروه‌های منزلتی در تمام عرصه‌های زندگی از جمله در تعامل اجتماعی دوستانه، ازدواج، سبک زندگی و دیگر عرصه‌های

1 Life Style

2 Stylization of life

3 Lifeconduct

زندگی جمعی خطوطی را ترسیم و متناسب با گروهی که در آن قرار دارند تعاریف مشخصی تعیین می‌کنند، یعنی افراد به لحاظ ساختاری و قرارگرفتن در گروه‌های منزلتی تعریف خاصی از سبک زندگی دارند. بورديو در نظریه خود بر چند واژه کلیدی تأکید می‌کند: میدان، عادت‌واره^۱ و سرمایه.

بورديو میدان را، عرصه‌ای اجتماعی می‌داند که مبارزه‌ها یا تکاپوها بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آن‌ها در آن صورت می‌پذیرد. میدان‌ها با اقلامی تعریف و مشخص می‌شوند که محل منازعه و مبارزه هستند - کالاهای فرهنگی (سبک زندگی)، مسکن، تمایز و تشخص فرهنگی (تحصیل)، اشتغال، یا هرچیز دیگری - و ممکن است به درجات متفاوتی خاص و انضمامی باشند (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۶). از نظر بورديو سلیقه مولد سبک زندگی است و باعث تمایز افراد از یکدیگر می‌شود. سلیقه او ترجیحات زیباشناختی متفاوت، سبک‌های زندگی متفاوتی را ایجاد می‌کنند. سلیقه از عادت‌واره جدا نیست و همانند آن محصول موقعیت اجتماعی فرد می‌باشد. از نظر وی هرگاه موقعیت اجتماعی فرد دچار تغییر شود، سلیقه نیز تغییر می‌کند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نظر بورديو سبک زندگی افراد نتیجه موقعیت اجتماعی آنان است (سراج زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷). از دیدگاه فمینیست‌های لیبرال اما ترتیب جنسی آرمانی، آن تربیتی است که طی آن، هر فردی مناسب‌ترین سبک زندگی را برای خود برگزیند و گزینش او از سوی دیگران پذیرفته و مورد احترام قرار گیرد. حال می‌خواهد خانه‌داری و کدبانوگری، زندگی مجردی و یا اشتغال در عین تأهل و دارا بودن فرزند یا زندگی مشترک بدون بچه باشد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۷۷).

۳-۳. نظریه مخاطره، تحولات جهانی و فردی شدن

اولریش بک نظریات مفصل و پیچیده‌ای درباره مخاطره در عصر مدرن، تحولات جهانی و فردی شدن دارد. او مخاطره‌ها را در ایجاد جامعه مخاطره‌آمیز جهانی سهیم می‌داند. چون تغییر تکنولوژیک با سرعت بیشتر و بیشتری به پیش می‌رود و شکل‌های تازه‌ای از مخاطره ایجاد می‌کند، ما هم باید پیوسته در مقابل این تغییرات واکنش نشان دهیم و براساس آن‌ها وضعیت خود را تغییر دهیم. بنا به استدلال وی جامعه مخاطره‌آمیز شامل مجموعه کاملی از تغییرات مرتبط با هم در زندگی اجتماعی معاصر است، تغییر الگوهای اشتغال، افزایش ناامنی شغلی، کاهش نفوذ سنت و رسوم بر هویت شخصی، اضمحلال الگوهای خانواده سنتی و دموکراتیک شدن روابط شخصی (گیدنز، ۱۳۹۹: ۱۰۰). او مخاطره‌های معاصر را، در حال حاضر، بیشتر رویدادهایی بی‌انتهای می‌داند تا وقایعی که فرجام آنها قابل پیش‌بینی است. بک در دیدگاه خود به این امر اشاره می‌کند که سطوح بالاتر و بالاتری از مخاطره تبدیل به هنجار می‌شود (لاپتن، ۱۳۸۰: ۲۹۷). وی معتقد است که ترکیبی از تغییرات (برای مثال در استانداردهای زندگی، فرصت‌های آموزشی و تحرکات جغرافیایی) اختلافات طبقاتی را از هم پاشیده است و منجر به گوناگونی‌ها و تنوع سبک‌های زندگی شده است. این دگردیسی‌ها در ساختار اجتماعی ناشی از فرآیندهای فردی شدن است، که مفروضات درک نشده را به چالش می‌کشد و وضعیت جدید اجتماعی شدن را برمی‌انگیزد (میسن، ۲۰۰۴: ۱۲۰). از آنجا که آینده‌های شخصی بسیار کمتر از جوامع سنتی ثابت و مقدر است، همه انواع و اقسام تصمیم‌گیری‌ها مخاطره‌هایی برای افراد دربردارند. برای مثال، ازدواج کردن، امروز بسیار بیشتر از زمانی که ازدواج یک نهاد مادام‌العمر بود، اقدامی مخاطره‌آمیز است. طبق نظر بک، یکی از جنبه‌های مهم جامعه مخاطره‌آمیز این است که بیم و خطرهای آن محدودیت مکانی، زمانی یا اجتماعی ندارند (گیدنز، ۱۳۹۹: ۹۷۸).

۴- روش پژوهش

در پژوهش پیش‌رو روش تحقیق، نظریه‌مبنایی است. این پژوهش نه تلاشی برای یافتن عناصر نظریه یا نظریه‌هایی در متن جامعه که کوششی در جهت مطالعه موضوعی خاص و در نهایت رسیدن به توضیحی نظری در باب آن بوده است. براین اساس از پارادایم تفسیری و روش نظریه‌زمینه‌ای بر مبنای رویکرد اشتراوس و کوربین استفاده شد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش زنان جوان بالای بیست و چهار سالی هستند که به تنهایی و جدای از خانواده زندگی می‌کنند. معیار ورود به مطالعه شامل افرادی بود که تهرانی یا غیرتهرانی ساکن شهر تهران‌اند و خانواده خود را از دست نداده بلکه جدای از آنان زندگی می‌کنند. در ضمن کسانی که نخستین دلیل زندگی جدا از خانواده‌شان را دانشجو بودن ذکر می‌کنند از دایره شمول این مطالعه خارج می‌شوند، چرا که این شکل از زندگی حاکی از آن است که بعد از اتمام تحصیل عنصر اجبار حذف و شرایط انتخاب این شیوه زندگی متفاوت خواهد بود. محقق جهت انتخاب مشارکت‌کنندگان اقدام به نمونه‌گیری نظری و گردآوری اطلاعات نمود و پس از انجام ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با دختران مجرد تهرانی که در بازه سنی ۲۸-۵۴ سال قرار داشتند به اشباع داده‌ها رسید (جدول شماره ۱). مدت زمان انجام هر مصاحبه به طور میانگین ۳۵ دقیقه بود و فرآیند جمع‌آوری داده‌ها بالغ بر ۹ ماه به طول انجامید. محقق برای انجام مصاحبه پس از انتخاب و شناسایی نمونه‌های مورد نظر به طور جداگانه با آنها چه به صورت حضوری و چه غیرحضوری (تلفنی) تماس گرفت. پس از آگاه کردن افراد از موضوع مورد مطالعه این اطمینان به آنها داده می‌شد که مصاحبه‌های ضبط شده نزد ما محفوظ می‌ماند و نام و مشخصات آنها محرمانه باقی خواهد ماند. زمان و مکان مصاحبه هم بستگی به وقت و مکانی داشت که مشارکت‌کنندگان پژوهش در اختیار محقق می‌گذاشتند. سؤالات مصاحبه از نوع سؤالات باز بود تا محدود به پاسخ‌هایی از قبل تعیین شده نباشد و این امکان را فراهم آورد تا مصاحبه شونده بتواند هر آنچه که در ذهن دارد، بدون هیچ محدودیتی به زبان آورد و به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود بپردازد.

تحلیل داده‌ها براساس اصول تحلیلی نظریه‌مبنایی و کدگذاری سه‌گانه انجام شد. این نوع کدگذاری مشمول سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی می‌باشد. در مرحله کدگذاری باز محقق با ذهنی باز و اشراف نظری مفاهیم را از نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان جست‌وجو و استخراج کرد. سپس در مرحله کدگذاری محوری از انتزاع کم به سمت انتزاع بیشتر پیش رفته و از مفهوم به مقوله رسید و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی مقولات به دست آمده از مرحله کدگذاری محوری به شکل انتزاعی-تری انضمام یافته و از مقوله به گزاره رسید. تمامی مراحل مذکور کاملاً تدریجی، تکوینی و پلکانی پیش رفته و داده‌ها مرحله به مرحله و به طور مداوم گردآوری و ثبت شدند و به طور غیرخطی پایه‌پای آنها تحلیل مداوم و مقایسه‌ای داده‌ها صورت پذیرفت. مقایسه توأمان در فرآیند پژوهش انجام شد و فرآیند هم‌زمان و متقارن با کدگذاری و تجزیه و تحلیل با استفاده از یادداشت‌های تحلیلی و یادداشت‌های تهیه شده از داده‌ها، محقق را وادار به بازاندیشی در داده‌ها و آغاز مفهوم‌سازی از داده‌ها کرده و این مهم با هدف تولید نظام‌مندتر مدل پارادایمی و براساس مدل پارادایمی پیشنهادی اشتراوس و کوربین صورت پذیرفت. اعتباریابی در تحقیق حاضر بر اساس چهار معیار اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری صورت گرفته است. بدین منظور جهت قابلیت اعتماد مقولات کنترل گشت و به منظور این کار محقق از روش چک کردن استفاده نمود. این کار، بار نخست با چک شدن توسط همکار و یا محقق دیگر و بار آخر، با چک شدن توسط مشارکت‌کنندگان در تحقیق (مصاحبه شونده، یا حاضران در موقعیت مشاهده و ذی‌نفعان و اطلاع‌رسان‌ها) و همچنین چک شدن از سوی اساتید فن انجام شد.

جدول ۱ مشخصات مشارکت‌کنندگان

ردیف	وضعیت تأهل	سن	میزان تحصیلات	شغل
۱	مجرد	۵۲	دیپلم	بازنشسته کتابخانه ملی
۲	مجرد	۴۳	کارشناسی برق	بازنشسته
۳	مجرد	۴۰	کارشناسی	تحت حمایت خانواده
۴	مجرد	۴۶	کارشناسی ارشد	سرپرست بخش مالی
۵	مجرد	۵۲	کارشناسی	بازنشسته دانشگاه تهران
۶	مجرد	۳۵	کارشناسی ارشد	IT متخصص
۷	مجرد	۲۸	فوق دیپلم	تحت حمایت خانواده
۸	مجرد	۳۰	کارشناسی ارشد	پرستار
۹	مجرد	۴۵	کارشناسی ارشد	کارمند اداره دولتی
۱۰	مجرد	۳۳	کارشناسی	شاغل بخش مالی
۱۱	مجرد	۵۱	کارشناسی ارشد	مدیر فروش
۱۲	مجرد	۳۵	کارشناسی ارشد	مدیریت شرکت بیمه
۱۳	مجرد	۵۴	دیپلم	بازنشسته اداره آب
۱۴	مجرد	۳۹	کارشناسی ارشد	مهندس برق
۱۵	مجرد	۳۲	کارشناسی ارشد	معلم

۵- یافته‌ها

با توجه به شیوه تحلیل و کدگذاری سه‌گانه انجام شده جهت تحلیل داده‌ها، محقق ضمن برخورداری از حساسیت نظری طی مقایسه مداوم مقولات و مفصل‌بندی آن‌ها پیرامون موضوع مطالعه به ۱۶ کد گزینشی دست یافت، که طی جدول ۲ آمده است. مجموعاً ۱۶ کد گزینشی نهایی از مجموع ۵۶۱ کد باز و ۷۱ کد محوری به دست آمده که در قالب مدل پارادایمی پیشنهادی اشترواس و کوربین قابل بیان است.

۵-۱. شرایط علی زیست مجردانه در بین دختران تهرانی

شرایط علی، عواملی هستند که بر مقوله اصلی اثر می‌گذارند و باعث ایجاد و شکل‌گیری پدیده می‌شوند. براین اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۴ کد گزینشی نهایی مرتبط با شرایط علی زیست مجردانه در بین دختران تهرانی شد که عبارتند از: بازیابی هویت اجتماعی، گریز از ازدواج به مثابه ابزار سلطه جنسیتی، تغییر در پارامترهای مؤثر بر ازدواج، مخاطره‌آمیز بودن ازدواج (جدول ۲).

جدول شماره ۲ کدهای محوری و گزینشی مربوط به شرایط علی واکاوی پدیده زیست مجردانه در بین دختران

مقوله‌ها	کدهای گزینشی	کدهای محوری	
شرایط علی زیست مجردانه در بین دختران	۱- بازیابی هویت اجتماعی	استقلال هویتی و شخصیتی	۱- احساس نیاز به استقلال شخصی و فردی
			۲- افزایش توانمندی و خوداتکایی دختران
			۳- بالا رفتن سطح تحصیلات و افزایش سرمایه فرهنگی
		استقلال اقتصادی	۴- احساس نیاز به استقلال مالی
			۵- لزوم فراهم بودن امکانات مادی برای مستقل بودن
		۶- افزایش فردگرایی	
	۲- گریز از ازدواج به مثابه ابزار سلطه جنسیتی	تغییر در معیارهای همسرگزینی دختران	۷- پررنگ شدن ملاک‌های مالی در همسرگزینی
			۸- عدم تطبیق مردان با معیارهای همسرگزینی دختران
			۹- نگاه آرمان‌گرایانه دختران به ازدواج
			۱۰- پررنگ شدن ملاک‌های مالی در همسرگزینی
		تغییر نگاه دختران به زندگی	۱۱- افزایش سطح توقعات دختران از زندگی
			۱۲- نگاه کمال‌گرایانه دختران به زندگی
		تغییر سبک زندگی	۱۳- وجود آرامش و امنیت در زندگی مجردی
			۱۴- افزایش سبک زندگی لذت‌جویی و تنوع طلبی در بین جوانان
			۱۵- افزایش خردگرایی در انتخاب
			۱۶- گسترش شیوه زندگی مجردی در کلان شهرهای مدرن
			۱۷- تجربه مهاجرت تحصیلی
		۱۸- تغییر ارزش‌ها در جوامع مدرن	
		۱۹- فضای مجازی بستر گرایش به تغییر فرهنگ	
		۲۰- بالا رفتن سن ازدواج دختران	
	۳- تغییر در پارامترهای مؤثر بر ازدواج	۲۱- از دست دادن فرصت طلایی ازدواج در اثر تاخیر در سن ازدواج پسران	
		۲۲- حمایت از خانواده پدری	
		۲۳- وجود چشم و هم‌چشمی در خانواده‌ها	
	۴- مخاطره آمیز بودن ازدواج	۲۴- اضطراب و ناامنی از ناپایداری زناشویی و فروپاشی خانواده	
		۲۵- بیم و ناامنی از شرایط و قوانین پیرامون ازدواج	
		بیم از بار مسئولیت‌های خانوادگی	۲۶- ترس از قبول بار مسئولیت‌های زندگی خانوادگی
			۲۷- بار مشکلات خانوادگی کاهش دهنده جاذبه ازدواج
		شرایط اجتماعی و اقتصادی کاهش‌دهنده جاذبه ازدواج	۲۸- شرایط اقتصادی کاهش‌دهنده جاذبه ازدواج
			۲۹- شکاف طبقاتی

در توصیف مدل پارادایمی و شرایط علی زیست مجردانه در بین دختران تهرانی، باید عنوان کرد که از جمله مقولاتی که دختران جزء علل انتخاب زندگی مجردی می‌دانستند؛ بازیابی هویت اجتماعی بود. مصاحبه‌شوندگان به نیاز روزافزون زنان به استقلال مالی و شخصی، خوداتکایی و افزایش توانمندی اشاره داشتند و معتقد بودند که توجه به مسائل فردی و افزایش فردگرایی از جمله تغییرات مهمی است که در سال‌های اخیر در حال وقوع است که با افزایش سطح تحصیلات و دستیابی دختران به مشاغل مناسب که استقلال مالی و فردی را برایشان به همراه دارد، این امکان برای آنان فراهم می‌شود تا بتوانند با کنار زدن رگه‌های سنتی هویت خود جایگاه و هویت اجتماعی جدیدی را تجربه کنند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، پیرامون مقوله مذکور می‌گوید: «من همیشه دختری درس خوان بودم و معلمی را دوست داشتم. به تهران آمدم، مدتی شغل آزاد داشتم، روی پای خودم بودم، البته با مخالفت‌های زیاد. ولی کم نیاوردم و دنبال این بودم که خودم را اثبات کنم. بعدشم دانشگاه فرهنگیان درس خواندم بعد از فوت پدرم مقداری از ارث پدری را هم صرف خرید خانه کردم و بقیه را سرمایه‌گذاری کردم».

مشارکت‌کننده شماره ۸، بیان می‌دارد: «کلاً شاید باورتون نشه، من اصلاً هشت سالگی که هنوز بالغ نشده بودم چرا دروغ بگم، این رو انتخاب کردم که خودم باشم، قوی باشم و کسی نخواد دستم رو بگیره. یعنی من شاید کوچک‌تر از اون وقتی که توی یک جمعی بودیم، اگر یک خانمی سن بالا ازدواج نکرده بود برام این خانم ارزش و اعتبار بیشتری داشت تا آدم‌هایی که ازدواج کرده بودن. یعنی فکر می‌کردم این خانم از پس خودش برمیاد. این هیچ مردی بالاسرش نیست».

یافته‌ای دیگر نشان می‌دهد گریز از ازدواج به مثابه ابزار سلطه جنسیتی از دیگر عوامل تک‌زیستی است. در جوامع کنونی تغییر در ارزش‌ها از جمله پیامدهای زندگی مدرن است که این مهم دگرگونی در سبک زندگی و متفاوت شدن معیارهای همسرگزینی نسبت به چند دهه پیش را به میزان قابل‌توجهی توجیه می‌کند. همچنین نگاه کمال‌گرایانه و لذت‌جویانه و ازدواج به مثابه محدودیت و افزایش سلطه مردانه، دختران را برآن داشته که خردگرایی بیشتری را در انتخاب، ازدواج و سبک زندگی به کارگیرند.

در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این باب می‌گوید: «ما به دنیا نیامدیم که مردان و همدیگر را تحمل کنیم، قرار هست در زندگی آرامش داشته باشیم و از زندگی لذت ببریم، حالا هر کسی یک مدل لذت می‌بره، اگر قرار باشه یکی بیاد به من امر و نهی کنه و از بالا به من نگاه کنه اصلاً نمی‌خوام و نمی‌تونم تحمل کنم».

مشارکت‌کننده شماره ۵ اظهار داشت: «خب فردی تو زندگی من بود با هم دوست بودیم، که دائم بکن نکن داشت، اینجا برو، اونجا برو با من سازگار نبود حالا حسابش را بکن بخوای با این‌ها زیر یک سقف زندگی کنی بشی جزء مال و اموال طرف، من خودم خیلی اهل مسافرت، دوست دارم لذت زندگی رو ببرم، به تنهایی برم سفر، تفریحات مختلف را امتحان کنم، وقتی شرایط رو خودم دارم چرا آقا بالاسر بیارم برا خودم مگه عاقلم را از دست دادم».

مصاحبه‌شوندگان بسیار بر تغییر در پارامترهای موثر بر ازدواج تأکید داشتند و بر این باور بودند که با روند رو به رشد چشم و هم-چشمی، رفتارهای نمایشی و دیدگاه‌های مادی‌گرایانه مردم که توسط شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز تشدید می‌شود، انتظارات و شیوه نگاه دختران را دستخوش تغییر کرده و در برخی موارد منجر به تعلل بدون پشتوانه منطقی در انتخاب و ازدواج دختران می‌شود. دختران با از دست دادن زمان طلایی ازدواج و با بالا رفتن سن، شانس ازدواج مطلوب را از دست داده و تن دادن به زندگی متأهلی برایشان دشوارتر خواهد شد.

مشارکت‌کننده شماره ۷ در این باب می‌گوید: «صبح تا شب تو این شبکه‌های اجتماعی و اینستا و ... از نهار و رستوران و سفر و لباس و هزار کوفت دیگه استوری می‌گذارند، بقیه می‌بینند یا حسادت می‌کنند و تو خونه دعوا مرافه درست می‌کنند یا باورتون نمیشه

مى‌شناسم كسى را كه با ديدن زندگى مجردى دوستاش طاقت نياورد، طلاق گرفت و گفت بچگى كردم ازدواج كردم، لذت و آزادى زندگى را از خودم گرفتم».

مشاركت كننده شماره ۹ عنوان مى‌كند: «هيچ وقت دوست نداشتم با پسرى ازدواج كنم كه تحصيلات پايين و وضعيت مالى تقريباً متوسطى داشته باشد، ديگه دوره اين حرف‌ها كه خدا درست مى‌كنه و هر كه دندان دهد نان دهد گذشته، از اين خبرا نيس، بعدشم فكر مى‌كردم فاميل ممكن است مسخره‌ام كنند، به نظرم همين چشم و هم‌چشمى‌ها خيلى از انتظارات را بالا برده».

همچنين مشاركت‌كنندگان به مخاطره‌آمىز بودن ازدواج اذعان داشتند و براين عقيده بودند كه مشكلات اقتصادى، نبود مسكن، افزايش طلاق در جامعه، اضطراب و ناامنى از پايدارى زندگى زناشويى را افزايش مى‌دهد. علاوه بر اين احساس ناامنى از شرايط و قوانين حقوقى ناعادلانه پيرامون ازدواج زنان دشوارى انتخاب همسر را براى دختران دو چندان مى‌كند. در نگاه دختران مجرد، امروزه شرايط اجتماعى و اقتصادى جاذبه‌هاى ازدواج و زندگى متاهلى را به شدت كاهش داده. تجربه جايگزينى زندگى مجردى با آزادى عمل، استقلال فردى و اجتماعى و فراغت بيشتر به نسبت مسؤليت‌هاى همسردارى، فرزندآورى و فرزندپرورى زندگى متاهلى گرايش به ازدواج را در بين دختران كاهش داده است.

پيرامون اين يافته مصاحبه‌شونده شماره ۸ بيان مى‌دارد: «مى‌دونيد من بچه طلاقم، همين كه پدر و مادرم به دليل اختلاف طبقاتى از همدىگه جدا شدند، اين فكر از ذهنم بيرون رفت و مجرد بودن را ترجيح مى‌دهم، البته طى اين سال‌ها خيلى از دوستام هم كه ازدواج كردند به خاطر مشكلات مختلف جدا شدند، من كلاً به ازدواج ديد خوبى ندارم ترس از كش و واكش طلاق و دردسرهای بعدش اصلاً نمى‌ارزه».

مشاركت‌كننده شماره ۲ مى‌گويد: «با اين همه ازدواج‌هاى ناموفق، طلاق و يا حتى زندگى‌هاى كه طلاق عاطفى دارن، من به خاطر همين مسائل كلاً ازدواج را در كلهام خط زدم، اصلاً اسمش ميايد و اطرافيان مى‌گن واهمه دارم، خب حالا ترجيحم اينه پس بنابر اين ازدواجى اين وسط اتفاق نيفتاده باشه كه اگر قرار بود اشتباه باشه من توش گير نكنم، تو جامعه‌اى كه هيچ حمايتى از زن وجود نداره همون بهتر كه من ازدواج نكرده باشم».

۲-۵. شرايط زمينه‌اى زيست مجردانه در بين دختران تهرانى

شرايط زمينه‌اى شرايط خاصى است كه به واسطه آن شرايط و زمينه‌ها بر پديده اصلى تأثير مى‌گذارند. در اين بخش به مقوله‌بندى بسترها و زمينه‌هاى اثرگذارى كه به اعتقاد دختران مجرد اثر كاهنده بر پديده مورد مطالعه دارد، مى‌پردازيم. براساس يافته‌هاى پژوهش اين شرايط در قالب ۴ مقوله اصلى شرايط زمينه‌اى شناسايى شد. مقولات اصلى پيرامون بسترها و زمينه‌هاى زيست مجردانه در بين دختران تهرانى، عبارتند از: تحولات فرهنگى و اجتماعى نهاد خانواده، رفع نابرابرى و تبعيض جنسى، برخوردارى زنان از حقوق مدنى برابر، بازنگرى ساختارهاى كالان اقتصادى و فرهنگى جامعه.

جدول شماره ۳ کدهای محوری و گزینشی مربوط به واکاوی پدیده زیست مجردانه در بین دختران

مقوله‌ها	کدهای گزینشی	کدهای محوری
بسترهای زیست مجردانه در بین دختران	۵- تحولات فرهنگی اجتماعی نهاد خانواده	۳۰- احترام به استقلال هویتی و شخصیتی افراد
		۳۱- تحولات فرهنگی اجتماعی به وجود آمده در جامعه
		۳۲- اشکال زندگی خانوادگی در حال تحول
	۶- رفع نابرابری و تبعیض جنسیتی	۳۳- فرهنگ سنتی و ازدواج‌های ناخواسته
		۳۴- دلزدگی از ازدواج به دلیل وجود فرهنگ مردسالارانه
		۳۵- نابرابری و تبعیض جنسیتی
		۳۶- رهایی زنان از تسلط و انقیاد مردان
		۳۷- تغییر در شیوه تربیتی و جامعه‌پذیری
	۷- برخورداری زنان از حقوق مدنی برابر	۳۸- برخورداری زنان از حقوق برابر
		۳۹- فقدان حمایت‌های حقوقی مناسب از زنان در ایران
		۴۰- بازبینی در قوانین مدنی ازدواج و حضانت فرزند
	۸- بازنگری ساختارهای کلان اقتصادی و فرهنگی جامعه	۴۱- تغییر در ساختارهای کلان اقتصادی جامعه
		۴۲- تسهیل مناسب ازدواج جوانان
		۴۳- کاهش نگاه‌های مادی‌گرایانه در جامعه
		۴۴- افزایش مسئولیت‌پذیری و تعهد در جامعه
		۴۵- افزایش امید به زندگی در جامعه

مشارکت‌کنندگان پیرامون زمینه‌های مؤثر بر پدیده تک‌زیستی معتقد به ضرورت تحولات فرهنگی اجتماعی نهاد خانواده هستند. دختران عنوان داشتند که از جمله مقولاتی که باعث بروز موانع بی‌شماری در مسیر ازدواج می‌شود، مسائلی است که به واسطه کمبود احترام به استقلال هویتی و شخصی دختران در خانواده و جامعه رخ می‌دهد. بسیاری از دختران به واسطه اثبات در توانایی‌های خود و کسب استقلال، تجرد را برمی‌گزینند که تمامی موارد مذکور را ناشی از ضعف در فرهنگ سنتی خانواده می‌دانند.

مشارکت‌کننده شماره ۳ در این باره می‌گوید: «این‌ها یک سری رفتارهایی هست که همه ما باید از بچگی بهمون یاد بدن، باید دختر و پسر کنار هم می‌بودیم، می‌فهمیدیم اصلاً تفاوت‌های رفتاری زن و مرد چه طوریه، این‌ها امکاناتش نبود، همه از هم سوا بودیم، یهو خودمون تصمیم می‌گیریم با کی چی کار کنیم، خب احتمال خطا و اشتباه میره بالا چون شناخت اصولی نداریم فرهنگ-مون اشکال داره».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ بیان می‌دارد: «دنیا عوض شده ما انگار جا مونديم، تو این شرایط که این همه تنوع را می‌بینی و خیلی از وقت‌ها حق انتخاب داری که مدل زندگی‌ات عوض کنی و مثل مادر بزرگ‌هامون که مجبور بودن تن به یک زندگی سنتی بدن می‌تونیم نباشیم، باید مردم و خانواده‌هامون بدونن که میشه مدل دیگه‌ای زندگی کرد و هیچ بد و غیرطبیعی نیست».

بنا به گفته‌های دختران، رفع نابرابری و تبعیض جنسیتی زنان در جامعه و برخورداری زنان از حقوق مدنی برابر می‌تواند بستر ساز ایجاد اعتماد و اطمینان آنان شود. دختران خواستار برخورداری از حقوق مدنی برابر بودند، که به واسطه آن با اطمینان در انتخاب مسیر زندگی موفق‌تر و بدون احساس تبعیض پیش بروند.

در این راستا مشارکت‌کننده شماره ۱۵ اذعان داشت: «تا تو خونه بابا هستیم، اونه که باید برایت تصمیم بگیره، اجازه بده برای همه چی، یه پاسپورت می‌خوای بگیري اجازه پدر می‌خواد بعدشم باید اجازه همسر باشه تو همه چی، قانون هم تو مملکت ما از زن‌ها کمتر حمایت می‌کنه مگر شوهرش پشت گرمی‌اش باشه و حمایتش کنه وگرنه تکلیف روشنه، کلاً دومی هستی تا آخر عمر».

مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید: «من خیلی از دست پدر و برادرم سختی کشیدم، مدام باید یا توضیح می‌دادم و یا محدود بودم، و واقعاً چیزی که خیلی منو همیشه اذیت می‌کنه فشارهایی بود که خانواده به من آورد، که باعث شد من نه درست حسابی خودمو بشناسم و نه بتونم یک زندگی آسوده در کنارشون داشته باشم همین شد که تصمیم گرفتم عطا همشون رو به لقاشون ببخشم، الانم از خونواده طرد شدم و باهاشون ارتباط ندارم».

دختران جوان عنوان داشتند که موارد مذکور در سایه بازنگری ساختاری کلان اقتصادی و فرهنگی جامعه امکان‌پذیر است. دختران مجرد اذعان داشتند، برآورده شدن ایده‌آل‌ها، الگوها و معیارهای آنان نیازمند افزایش امید به زندگی در جامعه است. دختران همچنین کاهش نگاه‌های مادی‌گرایانه و افزایش حس مسئولیت‌پذیری مردم در جامعه را جز در سایه تغییر و بازنگری ساختارهای فرهنگی و اقتصادی جامعه میسر نمی‌دانند. ناگفته نماند که دختران در شرایط کنونی فقدان بسترهای مذکور را عامل زیست مجردانه خود دانسته و این سبک از زندگی را به نسبت انتخاب زندگی متأهلی کم آسیب‌تر می‌دانند.

مشارکت‌کننده شماره ۱، پیرامون مقوله مذکور اظهار می‌دارد: «ببینید شرایط تو تمام دنیا برای کسانی که کار می‌کنند یا سن بالا یا اصلاً جوان‌ها فرق نداره، یک برنامه‌های تفریحی می‌تونن با حقوقی که می‌گیرند بدون دغدغه داشته باشند، گشت و گذارهای تفریحی دارن ولی ما تو مملکتمون هیچ کدوم این‌ها رو با این اقتصاد نداریم. الان من به عنوان یک خانمی که حقوق داره بخوام هفته‌ای یک بار برم استخر و لازم هست باید هفتاد، هشتاد تومن پول استخر بدم مگه با این حقوق‌ها میشه زندگی کرد».

مصاحبه‌شونده شماره ۶ عنوان می‌کند: «دخترهای امروزی دیگر زیر بار زور نمی‌روند، خیلی‌هاشون تحصیلات دارند، کار دارند، چطور این مردها فکر می‌کنند که می‌توانند مثل برده ازشون استفاده کنند و یا از امکانات و منابع دختران استفاده کنند که هیچ، دستور و امر و نهی هم بکنند؟ این فرهنگ باید کلاً تغییر کنه اینجوری پیش بره هر روز به دخترای مجرد اضافه می‌شه، همین میشه که منم زیر بار ازدواج نرفتم و نمیرم. خواهر و دوستانم را می‌بینم، اصلاً انگار تو این مملکت مردان سلطه‌گر هستند والسلام».

۳-۵. شرایط مداخله‌گر زیست مجردانه در بین دختران تهرانی

شرایط مداخله‌گر، شرایط و زمینه‌های وسیعی است که عامل تسهیل‌گر یا تعدیل‌کننده را دارا بوده و بر راهبردها اثر می‌گذارد و شرایط مجموعه‌ای از مقولات میانجی یا واسط را شامل می‌شود که مداخله سایر عوامل را تسهیل و یا محدود می‌کند. در جدول ۴، مقولات محوری و گزینشی پیرامون زیست مجردانه در بین دختران تهرانی طی ۲ مقوله اصلی آمده است، که عبارتند از: گسترش بی‌اعتمادی در جامعه نسبت به مردان و تغییر در نگرش دختران نسبت به ازدواج در جوامع مدرن.

جدول شماره ۴ کدهای محوری و گزینشی مربوط به شرایط مداخله‌گر واکاوی پدیده زیست مجردانه در بین دختران

مقوله‌ها	کدهای گزینشی	کدهای محوری
شرایط مداخله‌گر در زیست مجردانه دختران	۹- گسترش بی‌اعتمادی در جامعه نسبت به مردان	۴۶- گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه
		۴۷- بی‌اعتمادی نسبت به مردان
		۴۸- بیم از ارتباط بر پایه سودجویی مالی
	۱۰- تغییر در نگرش دختران نسبت به ازدواج در جوامع مدرن	۴۹- تأثیرپذیری از گروه همسالان
		۵۰- افزایش آزادی و تغییر در معیارهای انتخاب همسر در جوامع مدرن
		۵۱- فقدان فضای تعاملاتی امن بین دو جنس

بر اساس دیدگاه دختران مورد مصاحبه گسترش بی‌اعتمادی دختران در جامعه نسبت به مردان از مقولات مداخله‌گر محسوب می‌شود که می‌تواند عامل تسهیل‌گر و یا مداخله‌گر در انتخاب زیست مجردانه آنان باشد. گسترش انواع انحرافات اخلاقی در جامعه و نگرانی دختران از خیانت و کجروی‌های اخلاقی و عدم تعهد مردان در زندگی متأهلی از جمله مقولاتی است که افزایش زندگی مجردی را در بین دختران جامعه تسهیل می‌کند. همچنین بنا به اظهارات مشارکت‌کنندگان، با توجه به اینکه اکثر دختران مجرد دارای استقلال مالی هستند، در اغلب موارد بیم آن می‌رود که گرایش جنس مخالف جهت ارتباط و ازدواج با آنان نه بر پایه تعامل و تفاهم اخلاقی بلکه مادیات عامل دخیل در ازدواج باشد.

در باب مقوله فوق مشارکت‌کننده شماره ۱۳ عنوان می‌کند: «کلاً دیگه همیشه آدم تو این شرایطی که داریم تو اجتماعمون قبول مسئولیت کنه آدم، چون هیچ اعتمادی نیست که بتونی پای حرفی که زدی وایستی نه از لحاظ روحی و نه از لحاظ شرایط اقتصادی و سیاسی و چیزای دیگه که روی هممون تأثیر داره واقعاً».

مصاحبه‌شونده شماره ۲ می‌گوید: «ببینید به نظر من تو کشور ما اگر من دختر هم داشتم نه هیچ موقع نمی‌گذاشتم که بخواد رابطه‌ی آزادی با پسرها این مدلی داشته باشه چون من می‌ترسم از اینکه بلایی سر دختر من بیاد همین حس رو نسبت به امنیت خودم هم دارم، چه از لحاظ احساسی و چه چیزهای دیگه، ما جهان سومی هستیم، هنوز تعصب و مشکلات جنسی مردها خیلی زیاده، کلاً نمی‌تونم به مردها و به تعهد و حرف‌هاشون اعتماد کنم».

مشارکت‌کننده شماره ۶ نیز بیان می‌دارد: «الان تصورم این هست که با توجه به شرایط مالی و خودم کسی که لیاقت و استحقاق من را داشته باشه خیلی کم و به سختی پیدا می‌شه. تازه اونم معلوم نیست که تو خالی از آب درنیاد. آدم‌ها خیلی فرق کردن، کمتر اخلاق و انسانیت براشون مهم هست نگاه می‌کنن ببینن چقدر مال و اموال داری و بیشتر نگاه می‌کنن ببینن چقدر براشون سود داره از این مسیر تصمیم می‌گیرند».

همچنین از مهم‌ترین مقولات مداخله‌گر مورد نظر مصاحبه‌شوندگان که نقش تعدیل‌کننده را در انتخاب زندگی مجردی آنان دارد، تغییر در نگرش دختران نسبت به ازدواج در جوامع مدرن است. الگوپذیری دختران از فرهنگ‌های دیگر و انطباق و همگرایی با گروه دوستان و همسالان‌شان از دیگر مقولاتی است که در ترغیب و گرایش دختران به زندگی مجردی تأثیرگذار است که در این میان نمی‌توان از نقش رسانه‌ها و فضای مجازی غافل بود. چنانچه دختران جوان به ارتباطات اجتماعی مدرن در فضای مجازی اشاره داشته و خود را بی‌نیاز از ارتباطات بر پایه تعهدات قانونی، متعهدانه و متأهلانه می‌دانستند. دختران مجرد براین باور بودند که ازدواج و ارتباط با جنس مخالف نیازمند داشتن شناخت و مهارت ارتباطی بین دو جنس است و این مهم در محیط‌های ناامن جز با خسارات روحی و جسمی میسر نیست.

پیرامون مقوله مذکور مشارکت‌کننده شماره ۱۲ بیان می‌کند: «تو زندگی زناشویی سنتی مادربرگی یا حتی مادری ما حیطه اختیار زیادی نداشتند. اصلاً گاهی اوقات تو خیلی از مسائل اجازه اظهارنظر نداشتند و پذیرفته بودند. الان فرق کرده همه چی، درباره ازدواج، انگار تو دوتا سیاره مختلف زندگی می‌کنیم، به نظرم یکی از چیزهایی که کلاً مردم ما لازم دارند این هست که مدل نگاهشون به زن‌ها ازدواج و تشکیل خانواده عوض بشه».

مشارکت‌کننده شماره ۵ می‌گوید: «کلاً به نظر من ازدواج آزادی من رو می‌گیره من نمی‌تونم مثل حتی ۱۰ سال پیش هم درباره ازدواج فکر کنم، مردهای ایرانی هم که بیشترشون این طور هستند یا کلاً این که باید اصلاً ازدواج کنی حتماً و بچه داشته باشی کی این چیزها را دیکته کرده، میشه همه‌اش جوهره دیگه باشه، هرکی مختاره هرطور بخواد زندگی کنه حتماً که نباید ازدواج کنه».

۴-۵. راهبردهای مؤثر بر زیست مجردانه در بین دختران تهرانی

راهبردها کنش‌هایی هستند که در پاسخ به مقوله مرکزی صورت می‌گیرند. کنش‌ها و برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود. که این مهم در قالب ۳ مقوله اصلی قابل بیان بوده و طی جدول شماره ۵ آمده است. بدین معنا که دختران مجرد جهت سازگاری و تسهیل در زیست مجردانه از این استراتژی و راهبردها بهره می‌گیرند، که عبارتند از: تغییر در سبک زندگی و شیوه گذران اوقات فراغت، افزایش توانمندی و تحرک اجتماعی و انجام فعالیت‌های بشر دوستانه.

جدول شماره ۵ کدهای محوری و گزینشی مربوط به راهبردهای مؤثر بر پدیده زیست مجردانه در بین دختران

مقوله‌ها	کدهای گزینشی	کدهای محوری
راهبردهای زیست مجردانه در بین دختران	۱۱- سبک زندگی و شیوه گذران اوقات فراغت	۵۲- ارتباط با جنس مخالف
		۵۳- افزایش ارتباطات دوستانه و اجتماعی
		۵۴- فعالیت‌های ورزشی
		۵۵- فعالیت‌های هنری
		۵۶- خرید کردن و رفتن به مراکز خرید
		۵۷- مسافرت کردن و دیدن جاهای جدید
		۵۸- تفریح و سرگرمی
		۵۹- افزایش سطح توانایی‌های فردی
	۱۲- افزایش توانمندی و تحرک اجتماعی	۶۰- تلاش جهت افزایش تحرک اجتماعی
		۶۱- امیدوار بودن به آینده
	۱۳- انجام فعالیت‌های بشردوستانه	۶۲- انجام فعالیت‌های بشردوستانه

در رابطه با راهبردهای مؤثر دختران تهرانی پیرامون زیست مجردانه می‌توان گفت: بر طبق درک و تفسیر مصاحبه‌شوندگان، زیست مجردانه همانند هر پدیده اجتماعی با مشکلات و مسائلی همراه است، اما با وجود بسیاری از موانع کنونی در جامعه سعی در رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی خود دارند، هرچند که بسته به تلاش خود به نتیجه‌ای درخور و شایسته دست نمی‌یابند، اما دست از تلاش نمی‌کشند و سعی در اتخاذ راهکارهای خلاقانه در راستای کاهش اثرات منفی زندگی مجردی خود دارند. از جمله این

راهکارها می‌توان به افزایش ارتباطات دوستانه، انجام فعالیت‌های ورزشی و هنری، خرید کردن و مسافرت که ذیل مقوله سبک زندگی و شیوه گذران اوقات فراغت قابل بیان است، اشاره داشت.

مشارکت‌کننده شماره ۹ پیرامون این مقوله عنوان می‌کند: «البته باید اعتراف کنم یک سری احساس‌ها و لذت‌ها و کمبود اون احساس‌ها رو تو خودم دارم. ولی واقعاً با فعالیت‌های مفید کاری و شغلی و ورزشی و انسان دوستانه سعی می‌کنم خیلی از اون‌ها را جایگزین کنم».

مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان می‌دارد: «کلاً من خیلی آدم اهل گردش و خوش‌گذرونی هستم، خیلی سر خودم رو با خرید کردن و با دوستان و همکارام گرم می‌کنم، به هر دلیلی مسافرت میرم، سخت نمی‌گیرم، یعنی می‌تونم بگم حالا به‌هرحال به این شکل گذروندم تا حدی شاید تونستم خیلی کم خال‌ها رو پر کنم، نه به‌طور کامل اما تا حدی».

همچنین دختران مجرد از راهکار افزایش سطح توانمندی‌های فردی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره می‌گیرند و بر این باورند که بدین وسیله تحرک اجتماعی حادث شده و موجبات تغییر در جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود را مهیا می‌کنند. امری که از منظر مشارکت‌کنندگان در شرایط زندگی متأهلی با توجه به ضوابط، قوانین، مسئولیت‌ها و نگاه‌های مردسالارانه حاکم کمتر امکان تحقق دارد. ناگفته نماند برخی از مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند، جهت پر کردن برخی از خلاءهای عاطفی ناشی از زندگی مجردی اقدام به انجام فعالیت‌های بشردوستانه می‌کنند؛ فعالیت‌هایی از قبیل عضویت در کمپین‌های محیط زیستی، حمایتی و سازمان‌های مردمی که با اهداف مثبت‌نگرانه تأسیس شده‌اند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ در این باب می‌گوید: «من ولی شکر خدا اینقدر به کارم و درست انجام دادن و به روز کردن خودم اهمیت میدم که با وجود اینکه شغل دولتی ندارم و جای ثابتی ندارم ولی کیفیت کارم تبلیغ هست و تا حالا بیکار نماندم و با مشکل مالی چندانی مواجه نیستم. برای خودم وقت می‌گذارم، و خودم را دوست دارم، غصه بیخودی نمی‌خورم».

مشارکت‌کننده شماره ۶ عنوان می‌کند: «من وقتی که تصمیم گرفتم زیر بار ازدواج نرم، براش هم خیلی زحمت کشیدم، درآمد خوبی دارم تحصیلات دارم، خانه در حد خودم دارم، تنها چیزی که ندارم روابط عاطفی خالص و نابی هست که همیشه دنبالش بودم ولی واقعاً یافت نشده که البته با چیزهای دیگه و شرایطی که برای خودم به وجود می‌آورم فشار را از خودم برمی‌دارم».

مشارکت‌کننده شماره ۳ اذعان داشت: «با کمک دوستان گاهی کارهای محیط زیست و انسانی می‌کنیم به بچه‌های بی‌سرپرست کمک می‌کنیم و یا یهو برنامه می‌زاریم یک تیم می‌شیم و زباله‌های کنار ساحل را مثلاً جمع‌آوری می‌کنیم، این کارها احساس مفید بودن به آدم می‌دهد و اون چیزی که خیلی‌ها فکر می‌کنند که خلاءهای ما مجردهاست گاهی هم شرایط بهتر داریم نسبت به متأهل‌ها».

۵-۵. پیامدهای زیست مجردانه در بین دختران تهرانی

در این بخش پیامدهای حاصل از کنش و تعاملات و همچنین نتایج حاصل از راهبردها و خروجی پدیده مورد مطالعه آمده است. براین اساس جدول شماره ۶ گویای این مهم است. در این راستا تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۳ مقوله اصلی پیرامون پیامدهای زیست مجردانه در بین دختران تهرانی شد، که شامل: کاهش سلامت جامعه، دگرگونی فرهنگی و اجتماعی و کاهش جمعیت کمک به محیط زیست.

جدول شماره ۶ کدهای محوری و گزینشی مربوط به پیامدهای پدیده زیست مجردانه در بین دختران

مقوله‌ها	کدهای گزینشی	کدهای محوری	
		کاهش سلامت فردی	۶۳- ایجاد مشکلات احساسی و روانی
پیامدهای زیست مجردانه در بین دختران	۱۴- کاهش سلامت جامعه		۶۴- احساس تنهایی و انزوا
			۶۵- کمبودهای عاطفی
			۶۶- احساس ناامنی در ازدواج
			۶۷- افزایش سن جامعه و هزینه‌های حمایتی از سالمندان
			۶۸- تجربه نکردن لذت مادری
			۶۹- دگرگونی در هنجارهای اجتماعی
	۱۵- دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی		۷۰- زوال تربیتی نظام پدرسالاری
			۷۱- وجود نگاه‌های نامتعارف جامعه نسبت به دختران مجرد
			۷۲- کاهش جمعیت کمک به محیط زیست
	۱۶- کاهش جمعیت کمک به محیط زیست		

در مقوله پیامدها باید عنوان داشت، روند روبه رشد پدیده تک زیستی دختران مشمول پیامدهای خرد و کلان است. مشارکت-کنندگان تحقیق هرچند از زندگی مجردی رضایت نسبی داشتند و اغلب تمایل به تغییر این سبک زندگی نداشتند اما منکر مشکلات و مسائلی چون احساس تنهایی، کمبودهای عاطفی، افسردگی و مواجه با مشکلات و مسائل احساسی نمی شدند. آنان اذعان داشتند که در صورتی که نیاز به ارضای روابط عاطفی خود را داشته باشند، اینگونه روابط را زمینه‌ساز بروز روابط پرخطر جنسی می‌دانند که خود مشمول تبعات منفی بی‌شماری چون آسیب‌ها و مسائل اجتماعی مختلف است. دختران مجرد همچنین عدم تجربه حس مادری را از دیگر پیامدهای زیست مجردانه می‌دانستند که عوارض جسمی و روحی را با خود به همراه دارد. براین اساس در شرایط کنونی جامعه هرچند لذت مادر شدن به شیوه فیزیولوژیکی از آنان گرفته شده اما باعث کاهش جمعیت جهان و کمک به محیط زیست می‌شود. به نظر می‌رسد، همگرایی عوامل فوق باعث کاهش سلامت جامعه می‌شود. مصاحبه‌شوندگان زیست مجردانه و گسترش و ازدیاد این شیوه زندگی را عامل دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌دانستند و بر این باور بودند که این تغییر در شیوه خانواده زوال تربیتی نظام پدرسالاری و هنجارهای سنتی حاکم را به همراه دارد. هرچند که در این مسیر این دختران مجرد هستند که با نگاه-های نامتعارف جامعه که ناشی از عرف و هنجارهای سنتی است مواجهند، اما آنان در دستیابی به این تغییرات فرهنگی مبارزه می‌کنند. دختران مجرد از پیر شدن جمعیت کشور غافل نبوده و بیان داشتند که مجرد دختران کاهش مولید و درازمدت پیر شدن جامعه را به همراه دارد. جامعه سالمندی که نیازمند مراقبت و حمایت هستند و این مهم می‌تواند هزینه‌های دولتی و رفاهی کشور را افزایش دهد.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ بیان می‌دارد: «وقتی مجرد زندگی می‌کنی در واقع عملاً زندگی راحت‌تری نسبت به کسانی داری که متأهل هستند، ما باید بفهمیم تو شرایط جامعه‌ای که الان داریم، خیلی چیزها فرق کرده، دیگه کمتر به من به عنوان یک مجرد نگاهی دیگه دارند، امکان این را داریم که زندگی‌های مختلف و شیوه متفاوتی از خانواده‌ها، زندگی و حتی تفریح و همه چی را تجربه کنیم». مشارکت‌کننده شماره ۱۴ می‌گوید: «الان دارید می‌بینید خانم‌ها از پس خودشون برمی‌یان، نیاز ندارن هیچ مردی بالای سرشون باشه، که زور بگه، یکی از دلایلی که هیچ دوست ندارم ازدواج کنم همیشه همینه، راستش رو بخواین، خیلی برام الان ناراحت‌کننده نیست که ازدواج توی ایران داره کم میشه چون فکر می‌کنم که اون یوغ اسارتیه از سر خانم‌ها برداشته شد و هر روز هم شکر خدا داره این مدل زندگی بیشتر می‌شه».

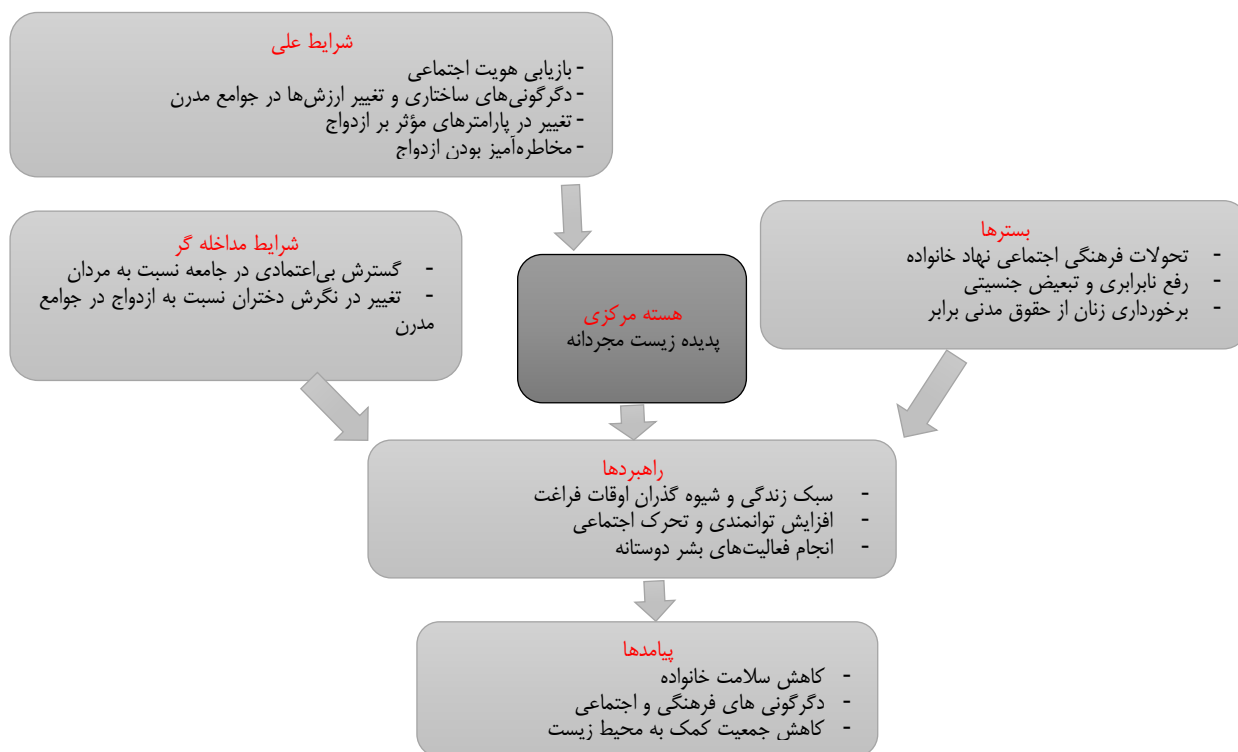
دیگر مشارکت‌کننده به شماره ۱۱ می‌گوید: «ولی با تمام محسنات زندگی مجردی، نمی‌شه از مشکلات مجردی غافل بود، برای من مهم‌ترین و سخت‌ترین چیزی که باهاش مواجه هستم، تنهایی هست که خیلی وقت‌ها احساس می‌کنم افسردگی می‌گیرم اگر به خودم کمک نکنم و روی روحیه‌ام کار نکنم».

مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان داشت: «نداشتن حس مادری با اینکه خیلی وقت‌ها احساس می‌شه و روحیه و روان آدم از تنهایی به هم می‌ریزه، ولی از طرفی زادوولد نکردن، خیلی هم بد نیست. کره زمین در حال منفجر شدن از جمعیت هست، اگر ما زادوولد نکنیم به هیچ جای این جهان بر نمی‌خوره».

۶-۵. هسته مرکزی مدل پارادایمی

هسته مرکزی مدل پارادایمی حاضر، در واقع پاسخ منظرساز و افق‌گشا به این ابهام است، که با توجه به این همه داده و شواهد و مقولات به دست آمده از زمینه موضوع موردبحث، مرکز همه این رویدادها و قضایا چیست و کلیت مقولات حاصل از داده‌ها کدام است؟ براین اساس کلیت مقولات عنوان شده از نگاه دختران مجرد پیرامون موضوع مورد مطالعه «زیست مجردانه بر ساخت یک زنانگی متفاوت» بود. مشارکت‌کنندگان تحقیق بر این اعتقاد بودند که زندگی در دنیای مدرن امروزی با سرعت تغییرات جهانی و گسترش تکنولوژی‌های نوین همراه است. همین امر تطبیق و انعطاف با تغییرات فرهنگی، اجتماعی را می‌طلبد و نیازمند به‌روز شدن شیوه زندگی است. دختران مجرد تحت تأثیر هویت اجتماعی نوین و به چالش کشیدن نگاه جنسیتی جامعه خود را با دنیای مدرن همراه کرده و در اکثر موارد از پذیرفتن و ایجاد تغییر در سبک زندگی و هویت اجتماعی مدرن و انتخاب تک‌زیستی اظهار خرسندی می‌کردند.

مدل پارادایمی علل و بسترهای زیست مجردانه در بین دختران تهرانی



۶- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر بر تأثیرگذاری عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نهادی مؤثر بر زیست مجردانه دختران تهرانی تأکید داشتند. براساس یافته‌های تحقیق مهم‌ترین علل مؤثر بر گرایش دختران به زیست مجردانه، بیشتر به‌واسطه دگرگونی‌های ساختاری و تغییر در ارزش‌ها در جوامع است. این دگرگونی‌ها تغییر در پارامترهای مؤثر بر ازدواج را منجر می‌شود. به نظر می‌رسد مجموعه مقولات مذکور باعث بازیابی هویت اجتماعی در دختران شده است. اما نکته قابل تأمل در این میان افزایش احساس بیم و هراس از ازدواج در بین دختران است، که مخاطره‌آمیز بودن ازدواج در جامعه امروزی را نشان می‌دهد. یافته‌های این بخش از پژوهش همسو با نتایج یافته‌های، کاوه فیروز و صارم (۱۳۹۶)، چابکی (۱۳۹۵)، حسینی و ایزدی (۱۳۹۵)، نتیمو و ابانیهه (۲۰۱۴)، ری‌هال و همکاران (۱۹۹۷) است. در بسترها و زمینه‌های مؤثر بر زیست مجردانه دختران تهرانی نیز اغلب عوامل بیشتر بر تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناسب متمرکز است. از سویی دیگر رفع نابرابری و تبعیض‌های جنسیتی و برخورداری زنان از حقوق مدنی برابر می‌تواند زمینه‌ساز کاهش تجردگزینی دختران باشد که در بسترها و زمینه‌ها نیز ترکیبی از عوامل نهادی-اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بودند. از منظر پاسخگویان عواملی نظیر تغییر در نگرش دختران نسبت به ازدواج در جوامع مدرن که گسترش بی‌اعتمادی دختران در جامعه نسبت به مردان از جمله آن است عوامل تسهیل‌گر زیست مجردانه دختران تهرانی است. به این اعتبار مقولات مذکور نقش مداخله‌گر را در بروز و گسترش تک‌زیستی دختران دارد. یافته‌های این بخش از پژوهش همسو با نتایج یافته‌های، قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶)، کاوه فیروز و صارم (۱۳۹۶)، چابکی (۱۳۹۵)، حسینی و ایزدی (۱۳۹۵)، فالکینگهام و همکاران (۲۰۱۲) و نتیمو و ابانیهه (۲۰۱۴) است. تک‌زیستی دختران هرچند محسنات و عوامل مثبت، مسئولیت‌پذیری، استقلال شخصی و مالی و... برای دختران به همراه دارد، اما در بسیاری موارد باعث ایجاد خلاء احساسی، تنهایی، کاهش روابط عاطفی و دوری از خانواده می‌شود. در این راستا مهم‌ترین راهبردهای به کار گرفته شده در بین دختران مجرد در مواجهه با اثرات منفی تک‌زیستی، تغییر در سبک زندگی و شیوه گذران اوقات فراغت، در کنار افزایش توانمندی و تحرک اجتماعی که با تعاملات مثبت همراه است. همچنین به نظر می‌رسد دختران مجرد برخی از خلاءهای ناشی از تک‌زیستی را با انجام فعالیت‌ها و رفتارهای انسان‌دوستانه و محیط زیستی سعی در جبران دارند. نهایتاً می‌توان انتظار داشت، که پدیده زیست مجردانه پیامدهایی نظیر دگرگونی-های فرهنگی و اجتماعی، کاهش جمعیت و کاهش سلامت اجتماعی را به همراه داشته باشد، هرچند که این همه در کنار افزایش استقلال مالی و شخصی و تعیین هویت جدید زنان معنا می‌یابد. یافته‌های این بخش همسو با نتایج و یافته‌های کاوه فیروز و صارم (۱۳۹۶)، چابکی (۱۳۹۵)، اقامتی گشتی و همکاران (۱۳۹۳)، سراج زاده (۱۳۹۲)، کرمی قه‌بی و پاپی‌نژاد (۱۳۹۱)، فالکینگهام و همکاران (۲۰۱۲) و هولدرن (۲۰۰۵) می‌باشد.

در مجموع می‌توان بیان داشت کلیه عوامل و مقولات به دست آمده دخیل در زیست مجردانه دختران تهرانی ذیل عوامل اجتماعی قرار دارند. نکته حائز اهمیت در این است که روند روبه رشد این سبک از زندگی را شاهد هستیم و به نظر می‌رسد دختران زیست مجردانه را به مثابه بر ساخت یک زنانگی متفاوت می‌دانند و به چالش کشیدن نگاه جنسیتی جامعه از جمله علل اساسی بروز و افزایش این پدیده است. همچنین این شیوه نوین از زندگی در حال جایگزینی با شکل مدرن آن است و در عین حال این جابه جایی با برخی عدم تمایلات و مخالفت‌های اجتماعی روبه‌رو است.

منابع

- اسکندری چراتی، آذر (۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر بر تأخیر ازدواج در ایران، نمونه موردی مطالعه استان گلستان، *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی*، سال چهارم، شماره سوم، ص ۲۵-۱.
- اقامتی گشتی، رضا؛ کنعانی، محمدمبین و عباداللهی، حمید (۱۳۹۳). چالش‌های زندگی مجردی در شهر رشت، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته جامعه‌شناسی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته*، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). *پی‌یر بوردیو*، ترجمه: لیلا جو افشانی و حسن چاوشیان، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۹۵). روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل مجرد قطعی، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره دهم، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۰۲-۱۲۳.
- حسینی، سیدحسین و ایزدی، زینب (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد (جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران)، *فصلنامه مطالعات زنان روان‌شناختی*، سال ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، ص ۴۱-۷۲.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۹). *هنر انجام پژوهش کیفی: از مسئله یابی تا نگارش*، تهران: انتشارات آگاه.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران مدرن*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- سراج زاده، سیدحسین؛ رفعت‌جاه، مریم و علی آبادی، عذرا (۱۳۹۲). مطالعه پدیده تک‌زیستی در نمونه‌ای از دختران شهر تهران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی.
- طالب پور، اکبر و بیرانوند، معصومه (۱۴۰۱). مطالعه کیفی پیامدهای مجرد قطعی دختران، *فصلنامه مطالعات زن و خانواده پژوهشکده الزهراء*، دانشگاه الزهراء، دوره ۱۰، شماره ۱، ص ۳۵-۱۰.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، تهران: انتشارات، صبح صادق.
- قادرزاده، امید؛ غلامی، فاطمه و غلامی، الهه (۱۳۹۶). بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از مجرد، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، ص ۴۲۶-۴۰۳.
- کاوه‌فیروز، زینت و صارم، اعظم (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش دختران مجرد درباب ازدواج (مطالعه شاغلان دانشگاه علومپزشکی شیراز)، *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۹۵-۷۳.
- کریمی قهی، محمدتقی و پاپی‌نژاد، شهربانو (۱۳۹۱). زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی تک‌زیستی دختران، *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، سال هفتم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *جهان رهاشده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی*، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: نشر علم و ادب.
- لایتن، دبورا (۱۳۸۰). *بیم و مدرنیزاسیون تأملی*، ترجمه مریم رفعت‌جاه، ارغنون، ش ۱۸، ص ۲۹۳-۳۱۵.
- محمدی تلوار، ستار (۱۳۷۸). تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر سنجند)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، ۱۳۹۰، ص ۴۴.
- نیازی، محسن (۱۳۹۰). رابطه بین سبک زندگی و هویت ملی، مطالعه موردی: شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۸۹، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال هفتم، شماره ۴، ص ۱۵۸-۱۲۹.

- Falkingham, Jane & Demey, Dieter & Berrington, Ann and Evandrou, Maria (2012). The Demography of Living Alone in Mid-Life: A Typology of Solo-Living in the United Kingdom, Paper prepared for the European Population Conference, 13-16 June, Stockholm.
- Good, William J. (1989). *The Family*, Prentice-Hall of India, Second Edition.
- Hall, Ray & Ogden, Philip E & Hill, Catherine (1997). The Pattern and Structure of One-Person Households in England and Wales and France, *International Journal of Population Geography*, Vol. 3, 161-181
- Huldtgren, S. E. (2005). Contemporary Spinsterhood in Britain: Gender, Partnership Status and Social Change. Ph.D. Thesis, The London School of Economics and Political Science (LSE).
- Mythen, Gabe. (2004) Ulrich Beck: A Critical Introduction to the Risk Society. London: Pluto Press Publication Ltd.
- Ntoimo Lorretta F. C. & A. Uche, I. (2014). "Determinants of Singlehood: A Retrospective Account by Older Single Woman in Lagos, Nigeria". *Population Studies*. Vol 27, No 2: 386-397.